



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۹۱
مصادف با: ۲ ذی القعدة ۱۴۳۳
جلسه: ۱

موضوع کلی: مسئله بیستم
موضوع جزئی: عمل جاهل بدون تقلید
سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مهمترین مانع در برابر شکر نعمت‌ها غفلت است.

امروز چون روز اول درسی می‌باشد و با روز چهارشنبه مصادف شده و طبق معمول چهارشنبه‌ها یک تذکر اخلاقی داشتیم، روایتی را از باب تیمن و تبرک بیان می‌کنیم و بعد وارد بحث خواهیم شد.

به طور کلی تحصیل علم به خصوص علم الهی از اموری است که در شرایط فعلی قطعاً در رأس مسائلی است که انسان باید دنبال کند. خداوند متعال این توفیق را به ما عنایت کرده که در این مسیر قرار گرفتیم و اسباب و مقدماتش فراهم شده که بتوانیم در راهی قدم بگذاریم که سعادت ابدی حتماً به دنبال خواهد داشت اما رسیدن به این هدف و نقطه‌ی تکامل مشروط به شرایطی است. در مورد اهمیت طلب علم به ویژه علم الهی روایات زیاد است در این رابطه روایتی را از رسول گرامی اسلام (ص) ذکر می‌کنیم.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «من طلب العلم فهو كالصائم نهاره القائم ليله فان باباً من العلم يتعلمه الرجل خيراً من أن يكون أبو قبيس ذهباً فأنفقهوه في سبيل الله». ^۱ کسی که به دنبال تحصیل علم باشد و علم را طلب کند مانند کسی است که روزها را روزه بدارد و شبها نیز بپا خیزد برای عبادت؛ آن علمی که طلب آن مانند روزه صائم و عبادت کسی که در نیمه‌های شب به پا می‌خیزد و یاد خدا می‌کند، قرار داده شده، هر علمی نیست حتی علم توحید بدون آنکه معرفت حقیقی برای انسان ایجاد کند این اثر را ندارد. اینکه انسان یکسری اصطلاحات را یاد بگیرد، برای انسان مثل روزه و نماز در شب نیست این علم، علمی است که نتیجه‌اش خشیت الهی است. در هر صورت علم الهی و علوم اهل بیت حداقل برای ما زمینه رسیدن به این نقطه را فراهم می‌کند. کسی که به دنبال این علم باشد یعنی همین فقه و اصول و کلام و تفسیر که ما می‌خوانیم ولی خود اینها مقصود بالذات نیست بلکه این علوم باید معبری باشد برای تعالی روح و تکامل نفس ما. اگر ما به دنبال این علم باشیم مثل آن است که روزها را روزه بگیریم و شبها را به نماز بگذرانیم و اگر کسی بایی از ابواب علم را یاد بگیرد، این برای او بهتر از آن است که کوه ابو قبیس طلا باشد و او در راه خدا آن را انفاق کند. تعلم این همه ارزش دارد و ارزش انفاق یک کوه طلا در راه خدا کمتر است از اینکه یک باب از ابواب علم یاد بگیرد.

۱. کنز العمال، روایت ۲۸۷۰۱.

ما باید به این حقیقت توجه کنیم و همه چیز برای ما فراهم شده اینکه در روایات وارد شده عالم افضل از عابد است و یک ساعت تفکر بیش از هفتاد سال عبادت ارزش دارد یا گفته شود یکی از مهمترین اعمال شب قدر مذاکره علمی است همه به خاطر ارزش آن است؛ مهم توجه به این حقیقت است که ما غفلت می‌کنیم. همین شرکت در درس و بحث‌ها می‌تواند ارزشش از کوه ابوقبیس که طلا باشد و در راه خدا انفاق شود، بیشتر باشد و می‌تواند یک کار لغو باشد و یا حتی می‌تواند آثار منفی هم داشته باشد. بهر حال همه چیز برای ما فراهم است؛ ما در این مسیر قرار گرفته‌ایم تحصیل علم چنین ارزشی دارد (علم الهی اشرف علوم است) ابزارش برای ما فراهم و قرعه به نام ما افتاده است و ما در بین این همه انسان و شیعه به مهد علم یعنی حوزه‌ی قم وارد شده‌ایم لکن به این حقیقت توجه نمی‌کنیم و این نعمتی است که ما از آن غفلت می‌کنیم. اگر ما این نعمت را از دست بدهیم آن وقت به این مسئله پی خواهیم برد که چه گوهر گرانبهایی را از دست داده‌ایم.

در روایتی از حضرت علی (ع) وارد شده است که حضرت می‌فرمایند: «احسنوا صحبة النعم قبل فراغها فإنها تزول و تشهد علی صاحبها بما عمل فیها»^۲ امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: مصاحبت با نعمت‌ها را نیکو بشمارید قبل از آنکه نعمت‌ها از شما سلب شوند چون هر نعمتی بالاخره زائل می‌شود یا با موت و یا با اسباب دیگر و این نعمت‌ها همگی گواه بر صاحب آن می‌باشند چون مصاحب و یار و رفیق ما بوده‌اند و گواهی می‌دهند که انسان با این نعمت چه کرده؟ ما مورد سؤال قرار خواهیم گرفت که با این نعمت و سایر نعمت‌ها چه کرده‌ایم. (نعمت امنیت، عافیت، صحت و هر نعمتی).

طلب علم یک نعمت و دارای آن همه ارزش می‌باشد در روایتی از رسول اکرم (ص) وارد شده که حضرت می‌فرمایند: «من كان في طلب العلم كانت الجنة في طلبه»^۳ کسی که در طلب علم است بهشت به دنبال اوست. لذا خود طلب علم یک نعمت و دارای این چنین اهمیت و ارزشی است.

اگر با دقت به کار خویش نگاه کنیم، می‌بینیم عناوین مختلف اینجا جمع شده است (ما اینجا طالب العلم، مصاحب نعمت علم و در مسند هدایت هستیم از امام صادق (ع) در مورد آیه‌ی «و من احياها فكأنما احيا الناس جميعاً»^۴ سؤال کردند که منظور این آیه چیست؟ حضرت (ع) فرمودند: «مَنْ اخرجها من ضلالٍ الى هدى فكأنما احياها و مَنْ اخرجها من هدى الى ضلالٍ فقد قتلها»^۵ اگر کسی یک نفر را از گمراهی به سوی هدایت و حقیقت راهنمایی کند گویا همه مردم را احیا کرده و اگر یک نفر را گمراه کند گویا همه مردم را از بین برده است. بلکه بالاتر لازم نیست از هدایت خارج شود و در مسیر هدایت قرار بگیرد، بلکه همین مقدار که یک درجه از ضلالت او کم شود مثلاً یک گناه از گناهان او کم شود، بر آن فکأنما

۲. علل الشرائع، ص ۴۶۴، حدیث ۱۲.

۳. کنز العمال، روایت ۲۸۸۴۲.

۴. مائده/۳۲.

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، حدیث ۱.

احیا الناس جمعاً صدق می‌کند؛ خود این عنوان هادی ببینید که چه ارزشی دارد. لذا ما اینجا مجمع العناوین هستیم و کار و شغل و برنامه ما مجمع العناوین است (هم از نظر شخصی برای خودمان و هم از نظر هدایت مردم) در هر صورت همه چیز برای ما مهیا است و عمده آن است که به آن توجه شود و مهمترین مانع غفلت است. ما از آنچه که در اختیار ماست غافل هستیم؛ غافل از آنکه چه نعمتهایی در اختیار ماست و مهمترین سرمایه که عمر ماست از آن کاسته می‌شود و ما به این مسئله توجه نداشته و از آن غافلیم.

امروز دنیا تشنه‌ی معارف اهل بیت است اینکه می‌گویم تشنه‌ی معارف اهل بیت، این یک حقیقتی است که انسان وقتی با افراد و گروه‌های مختلف مواجه می‌شود بیشتر درک می‌کند. امروز دشمنان نقشه‌های زیادی علیه اسلام و تشیع بکار بسته‌اند. از سست کردن بنیان‌های دینی و اعتقادی و از جعل ادیان و مذاهب و فرق و ترویج فرق ضاله و ساختگی گرفته تا حمله‌ی مستقیم به تشیع و تلاش برای منفور کردن چهره اسلام و پیامبر(ص) و اهل بیت علیهم السلام که اینها همه مسئولیت‌ها را سنگین‌تر می‌کند.

آنچه که عرض کردم در شرایط عادی بود؛ در شرایط فعلی اینها همه اهمیت مضاعف و چند برابر پیدا می‌کند لذا واقعاً باید به درس اهمیت داد به خاطر خودمان هم که شده (دنیا و آخرت) باید به آن توجه بیشتری کنیم. البته درس خواندن مشکلاتی هم دارد اما کسی که در راه تحصیل علم در برابر این سختی‌ها و مشکلات مالی و زندگی و معیشتی صبر کند قطعاً خداوند برای او گشایش خواهد کرد. بنابراین مثل کاسبی که محاسبه می‌کند چقدر سود کرده ما نیز این سرمایه‌ها را باید محاسبه کنیم و ببینیم که به چه میزان سود و بهره برده‌ایم.

در آغاز سال تحصیل باید برنامه ریزی کنیم و به اهمیت کارمان نیز توجه کنیم و با محاسبه سال گذشته سال جدید را با برنامه‌های منسجم و منظم شروع کرده و درس‌هایمان را با دقت بیشتر دنبال کنیم با توجه به اهمیت آن در صدد اصلاح نفس و کاستی‌های روحی باشیم و نکند که سال آینده بیاید و این فرصت‌ها تمام شود و در خرداد سال ۹۲ وقتی برمی‌گردیم به سال گذشته ببینیم که چیزی نیندوخته‌ایم و از سرمایه ما کاسته شده است. باید از خداوند متعال استمداد بطلبیم و از صاحب اصلی حوزه‌های علمیه و ولی و سرور و مولای خود حضرت حجة بن الحسن عجل الله فرجه الشریف استمداد بطلبیم و عنایت او را طلب کنیم و از روح بلند اهل بیت (ع) بخواهیم که ما را در ظل عنایات خودشان قرار دهند. از حضرت معصومه (س) استمداد کنیم. از این بانو نباید غافل شد برای همه چیز (دنیا و آخرت) و قطعاً این استمداد و توسلات برای ما راه گشا خواهد بود منتهی صبر و حوصله و همت و تلاش می‌خواهد که بدون تلاش و همت انسان عالم و موفق نخواهد شد هم در مسائل علمی و هم در مسائل اخلاقی و نمی‌شود بدون ریاضت و تلاش و کوشش به جایی رسید «لا یدرک العلم براحة الجسم».

امیدوارم که خداوند به ما این توفیق را بدهد که قدردان این نعمت‌ها باشیم؛ هیچ معلوم نیست که سال دیگر و حتی ماه دیگر به همین راحتی بتوانیم درس بخوانیم. این مسئله را مخصوصاً کسانی که از این شرایط دور می‌شوند، بیشتر درک کرده و قدر می‌دانند. امیدوارم به این مسئله بیشتر توجه کرده و قدر نعمت‌ها و فرصت‌ها بدانیم و از آن غافل نشویم.

مسئله بیستم:

«عمل الجاهل المقصر الملتفت من دون تقلید باطلٌ الا اذا اتى برجاء درک الواقع و انطبق عليه او علی فتوی من يجوز تقلیده و کذا عمل الجاهل القاصر او المقصر الغافل مع تحقق قصد القربة صحیحٌ اذا طابق الواقع أو فتوی المجتهد الذی يجوز تقلیده».

در مسئله بیستم امام(ره) می‌فرماید: عمل جاهل مقصر ملتفت بدون تقلید باطل است مگر آنکه آن عمل را به رجاء رسیدن به واقع انجام دهد و عملش منطبق با واقع هم باشد یا اگر هم منطبق با واقع نیست حداقل منطبق با فتوای کسی که جایز تقلید است، باشد. عمل هم چنین جاهل قاصر و جاهل مقصر غافل اگر مطابق با واقع باشد یا مطابق با فتوای مجتهدی که تقلید از او جایز است، باشد این نیز صحیح است.

پس موضوع بحث عمل جاهل است بدون تقلید مثل این که کسی نمی‌داند در سفر نمازش شکسته یا تمام است و بدون اینکه از کسی تقلید کند این عمل را انجام دهد. حال این جاهل تارةً جاهل قاصر است و اخری جاهل مقصر؛ جاهل مقصر هم تارةً مقصر ملتفت است و اخری مقصر غافل در این مورد امام می‌فرماید اگر عملش مطابق با واقع باشد و یا مطابق با فتوای کسی که جایز تقلید است باشد، این عمل صحیح است ولی اگر مطابق با واقع نبود و یا مطابق با فتوای من يجوز تقلیده نبود، این عمل باطل است. ولی مرحوم سید بین اینها فرق گذاشته است که در جلسه آینده به تفاوت نظر مرحوم امام(ره) با مرحوم سید و بررسی ادله هر کدام خواهیم پرداخت إن شاء الله.

«والحمد لله رب العالمین»